



در باب

و در باب اصلا که بر ذریعگی کاری نرا از جمله تعضیحات و معاری نرا از جمله مقدمه و بیان مهمی می باشد
 باید دانست که خاصیات و خواص و خصوصیات هر مطلق صریحان عبارتست از معانی ابواب و از افعال و اجزای
 فی المصطلح ما کان علی فعل فاعلی معانی و قال ابن الحاجب فی الشافیة فعل کما فی کثیرة و قال ابن مالک فی التمهید
 فعل لکن ما و متبعه یا لعل کثیرة و قال شارح الاصول فی صمدنا و معانیها بلفظ التفسیر کما فی ال فین در تفسیرش
 نرا از معانی ابواب نیز دیده اند اما متخی غایب که انقدر کافی نیست و به شیوه بسیار از خواص الطبقات نمی پیرود
 زیرا که اگر اخرج را بشمارد که از باب افعال برای تقدیه است نمیتوان گفت که معنیش از تقدیه است چه معنی آن
 بر آوردن و بیرون کردن است و مقدم و تهمید معایر است از تقدیه لازم است همچنانکه لازم است افعال را که
 ضد است پس مراد از معنی او این باب معانی ثانویست که لازم عامه معانی لغوی باشد اما کیف ما اتفق بر
 کثرت و اشتباه معنی مذکور نسبت باب مخصوص نیز در معنوش معتبرست بدلیل آنکه اگر احوال بابی مفید معنی مذکور باشد
 که از بابی دیگر اشتباه دارد و گویند این باب موافق آن باب دیگرست و از اینجا است که شارح رضی می آرد و اما افعال
 هذا الباب یعنی ذلک الباب از احوال این باب بحال علییه خصوصاً بعضی عامه منسوبه بضمایر افعال تفضل الی باب آخر
 علییه فی ذلک المعنی این باب مراد از خواص باب معانی ثانوی می باشد که لازم عامه معانی لغوی الفاظ باشد
 ایستاده آنچه متفق است بر آنست که در این باب بسیاری از الفاظین تنظیم را به غلط فهمیده اند و مقدم از جوابه را سنجی بر آن
 زده خاصه از اینجا بعضی مایه وجود فی غیره که صحت آن در دیگرست گمان برده و ترکیب تکلفات بارده و دو
 از کار گرفته اند از آنکه بعضی فرموده اند مراد از خاصیت خاص بودن این باب بعد از آنست که بالعکس یعنی این
 باب بدون خاصیت خود یافته شود و اگر چه این خاصه در بابی دیگر نیز موجود باشد و این سخن مخدوش است اولاً
 ازین که نظام از اضافت خاصیت به وی باب است که چیزی را که خاصیت گویند مختص لازم باب باشد
 و باب مختص به و ملزم به بالعکس و ثانیا بر تقدیر سلیم ازین جهت که این معنی بر تقدیه یا تصحیه نسبت باب افعال
 شلخته و ادق نمی آید چه نمیتوان گفت که باب افعال بدون تقدیه یا تصحیه یافته نمی شود زیرا که این باب خود صریحاً
 از سلب و لزوم و غیر آن دارد و پس عیب حال کل خاصه بالنسبه الی کل باب آری باب را بنظر مجموع خواص
 معانی می توان گفت که این باب بدون اینها یافته نمی شود اما ازین کلام لازم می آید که هر واحد را ازین باب

سلطان خاصیات و خواص
 باشد و برای حدیث
 احش خاصیت
 نامیت یعنی خصوصیت
 است و احوال
 بطریق سلف از قبیل
 عدل باشد و احوال
 صلا
 الامور و احوال
 است و احوال
 داده و احوال
 است و احوال
 عامه است که در
 باب احوال
 حلقه احوال

معانی خاصیت گویند و هو باطل بالبداهة معینا و بعضی از کتابها خواص و معانی محدود و چند ذکر میکنند و در
کتاب دیگر کم و بیش می آید چنانکه از ملاحظه مفصل تسهیل و شافیه و ایشاف و امثال آن پدید است پس اگر یک
باب را بطرح مجموع معانی خاص نامند باینکه بعضی خاصه هایش و بعضی از کتابها متر و یک شده خاصه هایش باشد
چه مجموع معانی بحیثیت اجتماع آنجا ذکر نشده علاوه برین حصه معانی ابواب همچنانکه فردی از افراد باقی نماند خیلی
متعدد است پس برین تقریر حکم این معنی که اینها خواص باب فلان است صحیح نباشد و بعضی چنین آورده اند
آنچه یافته شود و چیزی غالباً و در غیر آن معنی یافته نشود و اما یا غالباً یا بالعکس اقامه کردن گوید قطع نظر از آنکه این
تقریر سوای قید غلبه معنی دیگری و عدم آن یا در قریش و دیگران یا تقریر اول است پس آنچه بران وارد شود و برینهم وارد
خواهد بود و خود روش است باینکه باب افعال مثلاً اختصاص بخاصه تعدیه دارد و معنی دیگرش نیز مثل تفعل غالب
یافته می شود نه بر سبیل قدرت و بلکه احوال باقی الا ابواب بالنسبه الی خواصها پس یافته شدن خاصه باینکه در ابواب
در مفهوم خاصه تقریر نمیشود و بعضی بر آنند که فوق است و خاصیت و خاصه و در بنی مقام اول است نه ثانی چه خاصیت
مخصوص بخبری نباشد مثل حرارت و برودت که برای ادویه کثیره باشد و همچنین است لزوم و قیدی که در ابواب
بسیار یافته می شود و بخلاف خاصه که در غیر مخصوص به یافته نشود مثل صبحک و کتابت برای انسان که از انسانی
اصرف آنرا نمی نمایند که این قول بیستی بر فرق میان خاصیت و خاصه حال آنکه اهل فن اصلاً فرقی بینهما
نکرده اند گمان برفت فی صدر المقدمه معینا حرارت و برودت را نسبت ادویه خاصیت نمی گویند بل از قسم عموم
لازم است که اطباء آنرا کیفیت و سوب لبوی طبیعت کنند و گویند طبعش حار یا بار دست و خاصیت نزدیکشان
عبادت است و بعضی مقتضیات صورت نوعیه مثل جذب مقناطیس آهن را و امثال آن که لا ینحی و لا تفصل
فی نوادر الوصول باب اول در خاصیات شملی مجر و باید دانست که خاصیات فصل
مفتوح بعین معنی نصر و ضرب و فتح محصور نیستند و از اینجا است که علامه زنجبیری در مفصل می آورد ماکان علی کل
نموده معانی لا تقصید اکثره و سعه و این حاجب در ایضاح می نگارد چون فعل مفتوح بعین افعال و از ان افعال
است لهذا معنیش را کثیر قرار داده اند و کثیر معنی فعلی خواهد بود که در آن یافته نشود و لهذا اهل فن تصریح خویش
آن کثیر را خواصه اند لیکن با تم بحروف برای تسکین خواطر مشتاقین نمونه واری مذکور می نماید تا طالب علم بطریق

خاصیات

[illegible][illegible]

[illegible]

١٠

[illegible]

١٠

از دسترس خارج
عاجی و جلیان
اسد خدیوید
فصلت خدا
و اقبال
امیرالاعظم
و صفت فطرت
لغت صاحب
از انچه که یک
نویسنده
بر روی
در کتب
و لیس
که از
انقام
مردمان
افراد

[illegible]

١٠٠

[illegible]

۱۰

CALL No. { ١٩١٥ ف ACC. No. ٤٠٣٤

AUTHOR محمد عشوق علي

TITLE مفيد الطلاب في خاصيات الطلاب

Acc. No. ٤٠٣٤

Class No. ١٩١٥ ف Book No. ١٩١٥ ف

Author محمد عشوق علي

Title مفيد الطلاب في خاصيات الطلاب

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date



MAULANA AZAD LIBRARY

ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

